

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فردوسی مشهد  
دانشکده علوم اداری و اقتصادی

**گروه: علوم سیاسی**

**عنوان پایان نامه:**

بررسی عوامل مؤثر بر تحول مفهوم عدالت در اندیشه لیبرالیسم

**مؤلف:**

نعیمه اسدی پور

ارائه شده جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی

**استاد راهنما**

جناب آقای دکتر اطهری

**استاد مشاور**

جناب آقای دکتر خلیلی

زمستان ۱۳۸۹

## تعهدنامه

اینجانب نعیمه اسدی پور دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده پایان‌نامه بررسی عوامل مؤثر بر تحول مفهوم عدالت در اندیشه‌ی لیبرالیسم تحت راهنمای جناب آقای دکتر اطهری متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این پایان‌نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان‌نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان‌نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافت‌های آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

### مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

## **پیشکش به**

**به پدرم آيينه‌ی صفا و صميميت**

**و**

**مادرم درياي مهرباني‌ها**

## تشکر و قدردانی

چه شگفت‌آور است گذر زندگی از هزاران پیچ و خم زمان، هر بار که در پایان می‌ایستی شروعی دیگر در پیش روی می‌بینی و چون بیش بنگری زندگی همیشه در آغاز است.

در این پایان ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند متعال، بر خود فرض می‌دانم تا به مصداق «لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از زحمات کلیه اساتید گرامی که مرا در انجام رساله یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر به عمل آورم.

در این راستا از استاد ارجمند جناب آقای دکتر اطهری که مرا با شهد شیرین تحقیق و پژوهش آشنا کرده و با راهنمایی‌های ارزنده‌شان اینجانب را جهت انجام هر چه بهتر پایان‌نامه حاضر هدایت نمودند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر خلیلی که زحمت مشاوره را به عهده گرفته و از هر گونه تلاش در جهت رفع مشکلات پایان‌نامه دریغ نکردند، کمال تشکر را دارم.

از اساتید بزرگوارم جناب آقای دکتر تقوی و جناب آقای دکتر نجف‌زاده که داوری پژوهش حاضر را پذیرفته و با ارائه نظرات سازنده‌شان بر غنای مطالب افزودند، صمیمانه سپاسگزار می‌کنم.

زمستان ۱۳۸۹

## چکیده

مفهوم عدالت، اساسی‌ترین مفهوم در فلسفه‌ی اخلاق، سیاست و حقوق است. آدمیان همواره در متن برداشتی از عدالت به سر می‌برند و در این متن است که به شیوه‌ی زندگی خود و ارزش‌ها، هنجارها و روابط خویش معنا و سامان می‌بخشند. وقتی سخن از عدالت به میان می‌آید، باید دید که عدالت از دیدگاه کدام مکتب و مشرب مورد نظر است. عدالت مطرح شده در رساله‌ی حاضر عدالت از دیدگاه لیبرالیسم است که به عنوان یک ایدئولوژی تعریف خاص خود را از عدالت دارد.

به واقع آنچه اصل عدالت در لیبرالیسم انجام می‌دهد عبارت از تجویز نظامی به منظور تأمین آزادی‌های فرد فرد فاعلان اخلاقی است. به بیان دیگر، لیبرالیسم عدالت را در رابطه با آزادی و به معنای برابری در آزادی دانسته و هر عاملی که کاهش و یا محدودیت آزادی را در پی داشته و سبب نابودی این برابری گردد را مغایر با عدالت می‌داند. در این راستا؛ مجموعه‌ی ساختارها و کارگزاران از زمان شکل‌گیری لیبرالیسم تلاش نموده‌اند تا در تعاملی سازنده شرایط حفظ و افزایش برابری در آزادی را به منظور برقراری عدالت فراهم آورند. با وجود چنین مفهوم یکسانی از عدالت، لیبرال‌ها سعی نموده‌اند تا در هر دوره در تعامل با ساختارها، عدالت را به گونه‌ای خاص جامه‌ی عمل بپوشند که این امر سبب مطرح شدن برداشت‌های گوناگون از عدالت در زمان‌های متفاوت شده است. کشف سیر این تحول و دلایل آن در رساله‌ی حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

مفاهیم کلیدی: لیبرالیسم، آزادی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، ساختار، کارگزار

## فهرست

### فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه	۱۲
۲-۱- مسأله اصلی تحقیق	۱۲
۳-۱- تشریح و بیان موضوع	۱۳
۴-۱- ضرورت انجام تحقیق	۱۴
۵-۱- اهداف اساسی از انجام تحقیق	۱۵
۶-۱- نتایج مورد انتظار پس از انجام تحقیق	۱۵
۷-۱- سؤال تحقیق	۱۵
۸-۱- طرح نظری	۱۵
۱-۸-۱- سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته	۱۵
۹-۱- فرضیه تحقیق	۲۴
۱۰-۱- بیان روش و متد تحقیق	۲۴
۱-۱۰-۱- روش‌های گردآوری اطلاعات	۲۴
۲-۱۰-۱- قلمرو تحقیق	۲۴
۱۱-۱- سازماندهی تحقیق	۲۵
۱۲-۱- مفاهیم	۲۶

### فصل دوم: چارچوب نظری

۱-۲- مقدمه	۲۹
۲-۲- نظریه‌های کارگزارمحور (اراده‌گرایی)	۲۹
۳-۲- نظریه‌های ساختارمحور (ساختارگرایی)	۳۰
۴-۲- نظریه ساخت‌یابی	۳۲
۵-۲- عدالت	۳۸
۶-۲- لیبرالیسم	۴۳

۴۴	..... ۱-۶-۲- فردگرایی
۴۵	..... ۲-۶-۲- حکومت مشروطه
۴۶	..... ۳-۶-۲- تساهل
۴۸	..... ۴-۶-۲- برابری
۴۸	..... ۵-۶-۲- مالکیت خصوصی
۵۰	..... ۶-۶-۲- آزادی

### فصل سوم: لیبرالیسم کلاسیک

۵۷	..... ۱-۳- مقدمه
۵۹	..... ۲-۳- ساختارها
۵۹	..... ۱-۲-۳- ساختار سیاسی: سلطنت مطلقه
۶۲	..... ۲-۲-۳- ساختار اقتصادی: نظام اقتصادی مرکانتیلیستی
۶۴	..... ۳-۲-۳- ساختار اجتماعی: سلسله مراتب اجتماعی
۶۷	..... ۳-۳- کارگزاران
۶۷	..... ۱-۳-۳- گروه‌های اجتماعی: بورژواها
۶۹	..... ۲-۳-۳- متفکران لیبرال
۶۹	..... ۱-۲-۳-۳- مارتین لوتر
۷۳	..... ۲-۲-۳-۳- ژان کالوین
۷۶	..... ۳-۲-۳-۳- توماس هابز
۸۰	..... ۴-۲-۳-۳- جان لاک
۸۵	..... ۵-۲-۳-۳- آدام اسمیت
۸۸	..... ۳-۳-۳- انقلابیون لیبرال
۸۹	..... ۱-۳-۳-۳- انقلاب شکوهمند انگلستان
۹۱	..... ۲-۳-۳-۳- انقلاب کبیر فرانسه
۹۸	..... ۴-۳- عدالت در لیبرالیسم کلاسیک



۹۸	..... ۳-۴-۱- عدالت سیاسی
۱۰۰	..... ۳-۴-۲- عدالت اقتصادی
۱۰۳	..... ۳-۵- جمع‌بندی
<b>فصل چهارم: لیبرالیسم مدرن</b>	
۱۰۶	..... ۴-۱- مقدمه
۱۰۷	..... ۴-۲- ساختارها
۱۰۷	..... ۴-۲-۱- ساختار سیاسی: پیدایش دولت‌های فاشیستی در اروپا
۱۱۲	..... ۴-۲-۲- ساختار اقتصادی: نظام لسه‌فر و وقوع بحران کبیر
۱۱۷	..... ۴-۲-۳- ساختار اجتماعی
۱۱۷	..... ۴-۲-۳-۱- گسترش فقر و بیکاری در جوامع لیبرال
۱۱۹	..... ۴-۲-۳-۲- گسترش اندیشه‌های سوسیالیستی در جامعه
۱۲۳	..... ۴-۳- کارگزاران
۱۲۳	..... ۴-۳-۱- گروه‌های اجتماعی: کارگران
۱۲۶	..... ۴-۳-۲- متفکران لیبرال
۱۲۶	..... ۴-۳-۲-۱- جان استوارت میل
۱۲۸	..... ۴-۳-۲-۲- توماس هیل گرین
۱۳۱	..... ۴-۳-۲-۳- جان مینارد کینز
۱۳۲	..... ۴-۳-۲-۴- جان رالز
۱۳۶	..... ۴-۳-۳- دولتمردان لیبرال
۱۳۶	..... ۴-۳-۳-۱- لرد بوریج
۱۳۹	..... ۴-۳-۳-۲- فرانکلین.د. روزولت
۱۴۳	..... ۴-۴- عدالت در لیبرالیسم مدرن
۱۴۳	..... ۴-۴-۱- عدالت سیاسی
۱۴۵	..... ۴-۴-۲- عدالت اقتصادی

۱۴۷ ..... ۵-۴- جمع بندی

### فصل پنجم: نئولیبرالیسم

۱۵۰ ..... ۱-۵- مقدمه

۱۵۲ ..... ۲-۵- ساختارها

۱۵۲ ..... ۱-۲-۵- ساختار سیاسی: ساخت دولت رفاه

۱۵۴ ..... ۲-۲-۵- ساختار اقتصادی: بحران رکودی-تورمی دهه ۷۰

۱۵۸ ..... ۳-۲-۵- ساختار اجتماعی: بحران دولت رفاهی

۱۶۱ ..... ۳-۵- کارگزاران

۱۶۱ ..... ۱-۳-۵- گروه‌های اجتماعی: نومحافظه‌کاران

۱۶۴ ..... ۲-۳-۵- متفکران لیبرال

۱۶۴ ..... ۱-۲-۳-۵- فردریک فون هایک

۱۶۸ ..... ۲-۲-۳-۵- میلتون فریدمن

۱۷۱ ..... ۳-۲-۳-۵- رابرت نوزیک

۱۷۵ ..... ۲-۳-۵- دولتمردان لیبرال

۱۷۵ ..... ۱-۲-۳-۵- مارگارت تاچر

۱۷۸ ..... ۲-۲-۳-۵- رونالد ریگان

۱۸۳ ..... ۴-۵- عدالت در نئولیبرالیسم

۱۸۳ ..... ۱-۴-۵- عدالت سیاسی

۱۸۵ ..... ۲-۴-۵- عدالت اقتصادی

۱۸۷ ..... ۵-۵- جمع بندی

۱۸۹ ..... نتیجه گیری

۲۰۳ ..... فهرست منابع

۲۱۸ ..... چکیده انگلیسی

فصل اول

# کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه

مفهوم عدالت از دیرباز مورد توجه افراد بشر بوده و بخش مهمی از فلسفه‌ی سیاسی از یونان باستان گرفته تا اندیشه‌ی سیاسی مدرن، به این موضوع توجه دارد. فلاسفه‌ی مهم یونان باستان، افلاطون و ارسطو، کوشیدند مفهوم عدالت را همانند دیگر مفاهیم بنیادی مربوط به سیاست و جامعه، در چارچوب تفکر استدلالی مطرح سازند. از آن پس عدالت به عنوان مفهومی کلیدی همواره مورد توجه اندیشمندان و مکاتب فکری گوناگون قرار گرفته است.

اهمیت عدالت، آن را در زمره‌ی اصول مهم لیبرالیسم، به عنوان یکی از مکاتب فکری مهم، قرار داده است. در این مکتب عدالت محصول تعامل ساختارها و کارگزارانی است که در هر دوره آن را به شکلی خاص تعریف و عملی کرده‌اند. با وجود چنین تفاوت‌هایی، اصل عدالت در لیبرالیسم اصلی مربوط به توزیع آزادی‌های شخصی بوده و به عبارتی ساختاری از حق‌ها را که مهم‌ترین این حقوق، حق آزادی است مشخص می‌سازد.

## ۱-۲- مسأله اصلی تحقیق

مفهوم عدالت، به معنای رعایت حقوق افراد جامعه و اعطای حق هر صاحب حقی و اجرای قانون بدون تبعیض و به حداقل رساندن نابرابری‌ها، از جمله مفاهیم بنیادین اندیشه‌ی سیاسی است که از دیرباز موضوع نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان بوده است. لیبرالیسم نیز- به عنوان مجموعه‌ی روش‌ها، سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی که هدفشان فراهم کردن آزادی هر چه بیشتر برای انسان‌ها به مثابه‌ی مهم‌ترین حق فردی چه در نظر و چه در عمل است- از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. آنچه اصل عدالت در لیبرالیسم انجام می‌دهد عبارت از تجویز نظامی به منظور تأمین آزادی‌های فرد فرد فاعلان اخلاقی است. با این وجود، مفهوم عدالت لیبرالی در گذر زمان و همگام با تغییر و تحولات لیبرالیسم دچار تحول گردیده است که کشف سیر این تحول و دلایل آن برای شناخت بهتر مکتب لیبرالیسم از یک سو و جایگاه مفهوم عدالت در جوامع غربی به عنوان جوامع لیبرالی از دیگر سو حائز اهمیت است.

### ۱-۳- تشریح و بیان موضوع

عدالت از جمله واژه‌هایی است که به رغم باور به ضرورت وجود آن و به قول افلاطون زیبایی‌اش، در طول تاریخ مجادله‌های فراوانی پیرامون آن شکل گرفته است. لیبرالیسم نیز به مثابه‌ی نگرشی تازه به حیات و هستی و انسان، در سیر تحول خود از لیبرالیسم کلاسیک به نئولیبرالیسم و با توجه به اساسی‌ترین اصلش، آزادی، تعاریفی مختلف از عدالت ارائه کرده است. لیبرالیسم در زبان ایتالیایی از کلمه‌ی لیبرو (Libero) به معنای انسان آزاد و لیبرتاس که ریشه در زبان لاتین دارد به معنای آزاد گرفته شده و به دنبال آزادی فرد در تمام ساحت‌های زندگی و وجود، و آزادی از همه‌ی قیوداتی است که فرد را دربر گرفته‌اند. لیبرالیسم در موارد مختلفی به کار می‌رود و در یک نگاه کلی به پنج گونه تقسیم می‌شود: ۱- لیبرالیسم فرهنگی؛ ۲- لیبرالیسم دینی؛ ۳- لیبرالیسم اخلاقی؛ ۴- لیبرالیسم اقتصادی؛ ۵- لیبرالیسم سیاسی. البته تقسیم‌بندی دیگری از لیبرالیسم نیز می‌توان ارائه داد که مبنای کار در رساله‌ی حاضر است: لیبرالیسم کلاسیک، لیبرالیسم مدرن و نئولیبرالیسم.

لیبرالیسم کلاسیک به عنوان نخستین سنت لیبرالیستی، آمیزه‌ای از اندیشه‌ها و استراتژی‌ها در راه کسب آزادی از هر قید و بند خارجی است. تلاش به منظور تحصیل آزادی، لیبرالیسم کلاسیک را به هواداری از عدالت مبادله‌ای سوق داد. در این دیدگاه، عدالت مستلزم حفظ قانون اساسی است. این گونه عدالت؛ حکومت قانون را تأمین می‌کند تا افراد بتوانند درون آن برای تعقیب منافع و آزادی خود حمایت شوند.

با گذشت زمان و با رشد صنعت و تحکیم لیبرالیسم به عنوان یک ایدئولوژی، لیبرالیسم نیز دستخوش تحول گردید و نوعی شکاف در این اندیشه رخ نمود. گروهی که محافظه‌کاران لسه‌فر خوانده می‌شدند، ضمن تأکید بر اصول اساسی لیبرالیسم اولیه، همچنان نظام اقتصاد بازار آزاد را قبول داشته و مخالف هر گونه دخالت دولت در اقتصاد بودند. در مقابل، گروهی جدید ظهور کرد که لیبرالیسم مدرن نام گرفت. لیبرال‌های مدرن سعی نمودند اصول لیبرالیسم را با اوضاع جدید سازش داده و حدی از دخالت دولت را برای پاسخگویی به نیازهای عامه بپذیرند. در این راستا،

لیبرال‌های مدرن مفهوم عدالت توزیعی را در برابر عدالت مبادله‌ای حاکم بر لیبرالیسم کلاسیک مطرح کردند. آنها عدالت را معطوف به نتایج و دستاوردهای تلاش افراد می‌دانستند و معتقد بودند که توزیع امکانات و فرصت‌ها باید به گونه‌ای باشد که فقر و نابرابری‌های اقتصادی به حداقل برسد.

لیبرالیسم مدرن به تدریج با نزدیک شدن به اواخر قرن بیستم و سربرآوردن اندیشه‌های نئولیبرالیستی به حاشیه رانده شد. وقوع بحران رکودی تورمی دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی و مشکلات ناشی از آن، دگرگونی‌ای را در اندیشه‌های لیبرالیسم سبب گردید. این دگرگونی حاکمیت اندیشه‌های نئولیبرالیسم را در پی داشت که به لیبرالیسم کلاسیک نزدیک‌تر است و به نوعی می‌توان آن را بازگشت به همان دوره تلقی کرد که ما این بازگشت را در مفهوم عدالت نیز شاهد هستیم. باید گفت به رغم وجود انواع مدل‌ها و الگوهای لیبرالیسم، وجه اشتراک همه‌ی آنها پابندی به آزادی و اعتقاد به وجوب آزادی برای نیل به هر هدف مطلوبی در همه‌ی دوره‌هاست. تمامی تحولاتی که طی این قرون متمادی در مفهوم عدالت لیبرالی ایجاد شد محصول تعامل ساختارها و کارگزاران برای حفظ آزادی است. در واقع همین نگرانی عمیق لیبرالیسم برای آزادی فردی، لیبرالیسم را به سمت ایجاد تغییراتی در مفهوم عدالت کشانیده است؛ تغییراتی که نه تنها اجتناب‌ناپذیر، که بعضاً ضروری نیز بوده است. از این رو، دغدغه‌ی اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر در این تحول مفهومی در گذار از لیبرالیسم کلاسیک به نئولیبرالیسم می‌باشد. در این علت-یابی عوامل مؤثر با توجه به نظریه‌ی ساخت‌یابی گیدنز به دو دسته‌ی ساختار و کارگزار تقسیم و بررسی شده است.

## ۱-۴- ضرورت انجام تحقیق

گستره‌ی زمانی بحث عدالت به عنوان یکی از ارزش‌های مهم در علم سیاست به درازای اندیشه‌های سیاسی از عصر کلاسیک تا کنون بوده و توجه اندیشمندانی همچون افلاطون و ارسطو و سایر متفکران سیاسی، مکاتب و ایدئولوژی‌های گوناگون را به خود جلب کرده است. لیبرالیسم

نیز، چه به عنوان نظریه و آموزه و چه برنامه و عمل، بحث عدالت را مطرح و آن را در زمره‌ی اصول اساسی خود قرار داده است.

از این رو، ارزش والای عدالت در عرصه‌ی عملی و نظری و محوریت آن در اندیشه‌های سیاسی از یک سو و اهمیت مکتب لیبرالیسم به عنوان مکتب مسلط بر جهان غرب از قرن ۱۸ به بعد از سوی دیگر نگارنده را بر آن داشت که سیر تحول مفهوم عدالت و عوامل مؤثر بر این تحول را در لیبرالیسم با توجه به کمبودهایی که در این زمینه در عین اهمیت موضوع احساس می‌شد، مورد بررسی قرار دهد.

### ۱-۵- اهداف اساسی از انجام تحقیق

- نشان دادن چگونگی تأثیر تعامل دو حوزه‌ی ساختاری و کارگزاری بر شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی متفکران لیبرال و میزان اثرگذاری این اندیشه‌ها در حوزه‌ی عمل، که می‌تواند مدل مناسبی جهت بررسی چگونگی شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی به دست دهد.
- با بسط نظری این بررسی در زمینه‌ی عدالت می‌توان متوجه‌ی دلایل تغییر و تحول مفهومی سایر مفاهیم سیاسی و اجتماعی شد.

### ۱-۶- نتایج مورد انتظار پس از انجام این تحقیق

مطالعه‌ای به منظور دستیابی به دلایل تحول مفهوم عدالت با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جوامع غربی به عنوان خاستگاه لیبرالیسم از قرن ۱۸ تا قرن ۲۰ میلادی.

### ۱-۷- سؤال تحقیق

چه عواملی باعث تحول دیدگاه لیبرالیسم درباره‌ی عدالت از قرن ۱۸ تا قرن ۲۰ شده است؟

### ۱-۸- طرح نظری

#### ۱-۸-۱- سابقه تحقیقات و مطالعات انجام گرفته

در گذشته و حال آثار متعددی در زمینه‌ی عدالت و لیبرالیسم به رشته‌ی تحریر درآمده است، اما تا آنجا که تحقیقات نگارنده نشان می‌دهد اثر مستقلی در زمینه‌ی تحول مفهوم عدالت در

لیبرالیسم و چرایی آن در ایران صورت نگرفته است. قسمت عمده‌ی آثاری که راجع به لیبرالیسم نگاشته شده است یا به مکتب لیبرالیسم به طور کلی توجه کرده و یا عدالت را به ویژه از منظر سه اندیشمند لیبرال- رالز، نوزیک و هایک- مورد توجه قرار داده است. اما رساله‌ی حاضر می‌کوشد

این تحول و عوامل مؤثر بر آن را به طور مستقل و از ابتدای شکل‌گیری این ایدئولوژی بررسی کند.

با این وجود، کتاب‌هایی که تا حدودی به مباحث رساله مربوط می‌شوند را می‌توان در سه دسته جای داد:

دسته‌ی اول به آثاری مربوط می‌شود که صرفاً در ارتباط با مباحث نظری پژوهش یعنی «نظریه ساخت‌یابی» قابل استفاده‌اند. در این مورد کتاب «ساخت‌یابی» (پارکر، ۱۳۸۶)، «متفکران بزرگ جامعه‌شناسی» (استونز، ۱۳۷۹)، و یا کتاب «چکیده آثار آنتونی گیدنز» (کسل، ۱۳۸۳) قابل اشاره است.

دسته‌ی دوم آثاری است که پرداختن به مکتب لیبرالیسم را مورد توجه قرار داده و می‌کوشند که تصویری مناسب از آن به دست دهند. از مهم‌ترین کتاب‌های موجود در این زمینه کتاب «لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط» (آربلاستر، ۱۳۷۷) است. آربلاستر در کتاب مزبور پس از بررسی اندیشه‌ی لیبرالیسم و ارزش‌های آن همچون آزادی و حاکمیت قانون، لیبرالیسم را در سه مرحله‌ی ظهور، اوج و در نهایت سقوط آن مورد توجه قرار داده است. تفاوت کتاب آربلاستر با رساله‌ی حاضر در این است که تمرکز پژوهشی رساله بر تحول مفهوم عدالت در لیبرالیسم بوده و سعی دارد که به عوامل این تحول دست یابد. افزون بر این کتاب، می‌توان به چند مورد دیگر نیز اشاره کرد:

کتاب «لیبرالیسم» (گری، ۱۳۸۱) پس از نگاهی تاریخی به مکتب لیبرالیسم به خصوص در سه کشور انگلیس، فرانسه و آمریکا، از منظری پلورالیستی به نقد لیبرالیسم می‌نشیند. لذا، کتاب نام برده از لحاظ مباحث تاریخی کمک شایانی در جهت غنای محتوای این رساله بود. با این وجود



هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و فهم تحول عدالت در لیبرالیسم و عوامل مؤثر بر این تحول است و مباحث تاریخی را نیز در همین راستا مورد توجه قرار داده است. کتاب دیگری که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، کتاب «چرخش‌های لیبرالیسم» (توحیدفام، ۱۳۸۳) است. این کتاب به طور عمده در صدد تبیین نظری عناصر تشکیل‌دهنده‌ی لیبرالیسم کلاسیک، لیبرالیسم مدرن و نئولیبرالیسم و بررسی دیدگاه‌های مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب از جمله کینز و هایک بوده است. پرداختن به این موارد برای بخشی از این رساله مفید واقع شده، اما بحث اصلی پژوهش صورت گرفته بررسی تحول عدالت و عوامل آن است که در کتاب چرخش‌های لیبرالیسم به آن اشاره‌ای نشده است.

کتاب مهم دیگری که می‌توان نام برد کتاب لیبرالیسم: معنا و تاریخ آن (شاپیرو، ۱۳۸۰) است. شاپیرو در کتاب مزبور پس از بیانی کلی از لیبرالیسم در نظر، به مباحث اصلی خود یعنی بررسی تاریخی لیبرالیسم در دو دوره‌ی آن، لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم مدرن، می‌پردازد. گرچه مباحث کتاب به ویژه در رابطه با انقلاب شکوهمند انگلستان، انقلاب فرانسه در دوره‌ی لیبرالیسم کلاسیک و برنامه‌ی نیودیل روزولت در دوره‌ی لیبرالیسم مدرن کمک زیادی در نگارش رساله داشت اما نگارنده سعی نمود که این وقایع را از منظر ساختاری و یا کارگزاری و به عنوان بخشی از عوامل مؤثر در تحول مفهوم عدالت که وظیفه‌ی اصلی رساله است مورد توجه قرار دهد.

جلال سامانی در کتاب پیدایش و تکامل طبقه‌ی کارگر از آغاز تا ۱۹۱۷، (۱۳۸۰)، به بررسی چگونگی ظهور طبقه‌ی کارگر اروپایی به عنوان یکی از پیامدهای انقلاب صنعتی، یکی از دستاوردهای لیبرالیسم، می‌پردازد. از جمله موارد مورد بحث در این کتاب ترسیم شرایط نامطلوب کارگران و اقدامات آنها به منظور خروج از این وضعیت می‌باشد. رساله‌ی حاضر کارگران را از جمله کارگزاران مؤثر بر تحول مفهوم عدالت دانسته و از این دیدگاه کتاب را مورد مطالعه قرار داده است.

کتاب بحران ۱۹۲۹ (نزه، ۱۳۵۷) به بررسی چگونگی و علت وقوع بحران کبیر ۱۹۲۹ می‌پردازد. نزه در کتاب مزبور پس از بیان شرحی از شکل‌گیری و گسترش بحران به سیاست‌ها و راه‌حل‌های مطرح و عملی‌شده برای مقابله با آن می‌پردازد. بحران کبیر نقش عمده‌ای در چرخش مکتبی

لیبرالیسم کلاسیک به سوی لیبرالیسم مدرن و آزادی مثبت و به تبعیت از آن تدوین مفهوم عدالت توزیعی در لیبرالیسم داشته است. لذا پرداختن به بحران ۱۹۲۹ وجه تشابه رساله و کتاب مزبور است.

کتاب فاشیسم (تورلو، ۱۳۸۰) سعی در ترسیم فضای سیاسی اروپا به ویژه دو کشور آلمان و ایتالیا که منجر به ظهور دولت‌های فاشیستی در این کشورها شد، دارد. تورلو به فاشیسم کمتر از دیدگاه لیبرالیستی پرداخته و بیشتر از منظر یک تاریخ‌نگار پدیده‌های منتهی شونده به فاشیسم را بیان می‌کند. در حالی که رساله‌ی حاضر سعی نموده شکل‌گیری فاشیسم را به عنوان یکی از پیامدهای ناخواسته‌ی سیاست‌های لیبرالی که از جمله عوامل مؤثر در گذار به عدالت توزیعی بوده، مورد بررسی قرار دهد.

کتاب سرمایه‌داری و آزادی (فریدمن، ۱۳۸۰) به بیان اندیشه‌های نئولیبرالیسم در زمینه‌ی آزادی و نقش مهم آزادی اقتصادی و بازار آزاد در تداوم سایر انواع آزادی از جمله آزادی سیاسی می‌پردازد. رساله ضمن توجه به اندیشه‌های فریدمن، آزادی را نه به گونه‌ای مجرد بلکه به عنوان مهم‌ترین عنصر سازنده‌ی عدالت لیبرالی در همه‌ی انواع لیبرالیسم به منظور بررسی مفهوم عدالت مورد توجه قرار می‌دهد.

کتاب ریگان با مردم آمریکا چه می‌کند؟ (گریر، ریسمن، ۱۳۶۶) سیاست‌های نئولیبرالی ریگان در عرصه‌های مختلف همچون بهداشت، آموزش و پرورش و تأمین اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ریگان که نقش عمده‌ای در عملی شدن اصول نئولیبرالیسم داشته به عنوان یکی از مهم‌ترین کارگزاران نئولیبرالیستی در گذار به عدالت مبادله‌ای در رساله‌ی حاضر است. با این تفاوت که رساله علاوه بر بررسی چنین سیاست‌هایی به دلایل اخذ این سیاست‌ها که عامل مهمی در تحول عدالت در لیبرالیسم است نیز می‌پردازد.

لطف‌الله خدایی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان دولت حداقل از دیدگاه نئولیبرالیسم (دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد علوم سیاسی) پس از پرداختن به زمینه‌های ظهور نئولیبرالیسم به بررسی جایگاه و کارکرد دولت در نگاه نئولیبرالی‌هایی چون هایک و نوزیک می‌پردازد. بخشی از پایان

نامه‌ی مزبور که به زمینه‌های ظهور نئولیبرالیسم پرداخته دارای وجه تشابهی با رساله‌ی حاضر می‌باشد. با این وجود نکته‌ی تمرکز رساله مبحث عدالت از جمله در نئولیبرالیسم است.

از جمله مقالات نوشته شده در این زمینه نیز می‌توان به مقاله‌ی لیبرالیسم (پلامناتز، ۱۳۸۲) اشاره کرد. نویسنده در این مقاله به بررسی اندیشه‌ی لیبرالی آزادی به گونه‌ای کلی و بدون تفکیک تاریخی لیبرالیسم و تحول مفهوم آزادی در طی تاریخ می‌پردازد. رساله‌ی حاضر از جهت محوری دانستن مفهوم آزادی البته به عنوان عنصر اساسی در تعریف عدالت لیبرالی با مقاله‌ی حاضر دارای تشابهاتی است، لیکن هدف رساله نه بررسی آزادی بلکه بررسی عدالت و عوامل مؤثر بر تحول آن از قرن ۱۸ تا ۲۰ در جهان غرب می‌باشد.

امیر خادم علیزاده در مقاله‌ی نقد و بررسی آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری (۱۳۷۸) پس از بیان مختصری درباره‌ی اندیشه‌های لیبرالیسم کلاسیک در زمینه‌ی اقتصاد، به توضیح آثار و پیامدهای آزادی اقتصادی بی قید شرط مطرح در لیبرالیسم کلاسیک و نقش آن در ظهور پدیده‌ی فقر می‌پردازد. رساله‌ی حاضر ضمن استفاده از این مقاله، در صدد بررسی تأثیر چنین رویدادهایی به عنوان عوامل مؤثر در تحول مفهوم عدالت در چارچوب ساخت‌یابی در تاریخ لیبرالیسم است که در مقاله به آن پرداخته نشده است.

مقاله‌ی ظهور و افول اقتصاد مختلط (۱۳۷۳) که در سه بخش توسط هرمان دروی به رشته‌ی تحریر درآمده است به بیان چگونگی ظهور تاریخی اقتصاد مختلط (اقتصاد هدایت‌شونده توسط بخش دولتی و بخش خصوصی) در لیبرالیسم پس از وقوع بحران بزرگ ۱۹۲۹ و در نهایت افول آن در اثر بحران‌هایی همچون رکود تورمی می‌پردازد. رساله‌ی حاضر نیز در فصل لیبرالیسم مدرن اقتصاد مختلط را به عنوان ساختار اقتصادی مؤثر در تحول مفهوم عدالت مورد بررسی قرار می‌دهد. واضح است که گستره‌ی رساله فراتر از این مبحث بوده و به سایر عوامل در دوره‌های مختلف تاریخی نیز توجه کرده است.

مقاله‌ی لیبرالیسم نو: گرایش‌های اخیر در تفکر سیاسی و اقتصادی در غرب (بشیریه، ۱۳۷۰) به بیان اندیشه‌های نئولیبرالیستی متفکرانی چون هایدک و فریدمن در زمینه‌ی مداخلات دولتی و نقد سیاست‌های رفاهی دولت و اندیشه‌های کینزی پشتیبان‌های دولت رفاه پرداخته است. بررسی

اندیشه‌های این متفکران و نقش آنها در تدوین مفهوم جدید عدالت در نئولیبرالیسم بخشی از پایان‌نامه را به خود اختصاص می‌دهد.

کتاب *Freedom as Motion* (Feldman, 2001) به بیان اندیشه‌های هابز در ارتباط با آزادی، فردگرایی و مهم‌تر از همه لیبرالیسم می‌پردازد. Feldman هابز را به دلیل تعریفی که از آزادی ارائه می‌دهد بنیان‌گذار لیبرالیسم می‌داند. هابز آزادی را فقدان موانع خارجی تعریف می‌کند. در دیدگاه نویسنده معنای دیگر تعریف ارائه شده از سوی هابز، آزادی همچون جنبش و حرکت است. هدف از این سخن آزادی افراد در رقابت و مسابقه برای رسیدن به احترام و کالاهای دلخواهشان است. جامعه‌ی هابزی جامعه‌ای است که چنین آزادی‌ای در آن تداوم دارد. Feldman می‌گوید این فلسفه‌ی سیاسی هابزی به آمریکا که فضای مناسبی برای آزادی و فردگرایی دارد منتقل شده است. وی سپس به کاربرد آرای هابز در آمریکا پرداخته و مطالبی نیز در رابطه با نظریات قدیمی مخالف نظر هابز بیان کرده است. با توجه به اینکه هابز از نخستین کسانی است که مفهوم جدیدی از آزادی و بنابراین عدالت ارائه کرده و از این رو نقش مهمی در لیبرالیسم دارد، از جمله کارگزاران مورد توجه رساله است. پرداختن به اندیشه‌های هابز وجه تشابه رساله‌ی حاضر و کتاب مزبور است. با این وجود هدف رساله بررسی نقش هابز در تدوین مفهوم عدالت مبادله‌ای در لیبرالیسم کلاسیک می‌باشد.

کتاب *Neoliberalism- A Very Short Introduction* (Steger, Roy, 2010) به منظور فهم بهتر نئولیبرالیسم آن را به سه بعد تقسیم و سپس بررسی نموده است. بر این اساس نویسندگان کتاب ابتدا نئولیبرالیسم را از بعد ایدئولوژیک بررسی نمودند. آنها در دومین بعد نئولیبرالیسم را یک مدل حکومتی دانسته و در بعد سوم آن را یک بسته و خط‌مشی سیاسی می‌دانند. Steger, Roy آنها اولین موج نئولیبرالیسم را در دوره‌های ریگان و تاچر، و دومین و سومین موج آن را به ترتیب در دوره‌های کلینتون و بلر مورد بررسی قرار می‌دهند. علاوه بر دو کشور زادگاه نئولیبرالیسم، آمریکا و بریتانیا، Steger, Roy نئولیبرالیسم را در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و در پایان به بحران‌های گریبانگیر نئولیبرالیسم می‌پردازند. از جمله نکات مثبت کتاب مقایسه‌ی تاچر و ریگان است که در رساله به